

دستمزدهای ناچیز زنان در شهر ثروتمند سیرجان!

سمیرا سرچمی

گزارش

نیروی کار است و طرف دیگر تقضای نیروی کار. تقاضا برای نیرو کار زنان فقط بخش خدمات است و این بخش خیلی بزرگ نیست که بخواهد کل عرضه نیروی کار زنان را پوشش بدهد. از طرف دیگر از پیک جمعیتی دهه ۶۰ با عرضه خیلی زیاد نیروی کار زنان روبرویم که هنوز خیلی از آنها بیکار هستند و بعد دهه هفتاد تا رسیدیم به دهه هشتاد. وقتی عرضه زیاد و تقاضا کم باشد، به طور طبیعی قیمت دستمزدش هم در بازار می‌شکند و پایین می‌آید. حتی خیلی از مردان هم در مشاغل نگهداری و اداری همینقدر حقوق می‌گیرند. مثلاً من اقا می‌شناسم در اداره ای کار می‌کند و کل خالص دریافتی اش مبلغ خیلی پایینی است.

● به جز قانون عرضه و تقاضا فکر می‌کنید دلیلش چیست که کارفرما می‌خواهد حقوق کمتری از مبلغ تعیین شده اداره کار پرداخت کند؟

دلیل علمی همان، عرضه زیاد تر نسبت به تقاضا است. دولت یک مبلغی را به طور دستوری مشخص کرده اما بازار گوش به این قیمت گذاری های دستوری نیست. بازار راه خودش را جدا می‌کند و پیش می‌برد. این را در نمونه ی قیمت گذاری بسیاری از کالاهای دیگر هم دیده ایم. بازار بسته به عرضه و تقاضا قیمت را تعیین می‌کند و به تعادل می‌رساند.

البته اگر بخواهیم دقیق تر این مساله را بررسی بکنیم باید نرخ اشتغال زنان را که توسط بانک مرکزی ارائه می‌شود نگاه کنیم. که فکر کنم یک چهارم نرخ اشتغال مردان باشد. در شهر سیرجان به علت وجود صنایع و معادن و بخش حمل و نقل قوی مردان بیشتر مورد استفاده به عنوان نیروی کار قرار می‌گیرند. زنان هم فقط در بخش خدمات نیروی کار خود را عرضه می‌کنند که آنجا هم با یک اشباع عرضه روبرو هستیم. عامل دیگری هم که شاید بر کاهش قیمت نیروی کار زنان موثر بوده می‌تواند فعالیت پاره وقت بسیاری از زنان در مشاغل که در آن حضور دارند باشد که خود به خود عامل پایین آمدن نرخ دستمزد آنان به شمار می‌آید.

● بر طبق همین قانون عرضه و تقاضا اگر نگاه کنیم که از طرفی کارفرما نیز برای کارهای خدماتی از زنان بیشتر استقبال می‌کند تا نیروی کار مردان؟

بله. هزینه های دستمزد، سبب افزایش هزینه تولید کالا و خدمات می‌شود. برای باقی ماندن در بازار باید این هزینه ها کاهش یابد. مثلاً الان خیلی از نانواها، چونه گیر حذف کردن و بجاش دستگاه گذاشته اند. البته کشور ده سال دیگر مشکل عرضه نیروی کار دارد. چون متولدین دهه ۶۰ بازنشسته می‌شوند و از پیک جمعیتی، عرضه کم می‌شود.

زنی با ظاهر آراسته، روابط عمومی بالا و داشتن فن بیان قوی برای جذب مشتری جزو آیتم‌هایی‌ست که در اکثر قریب به اتفاق آگهی‌های شغلی از سوی کارفرما تعیین شده است. آگهی‌های که در آنها صحبت از تخصص، رشته‌ی تحصیلی و استعداد و توانایی زنان نیست و فقط تمرکز بر ویژگی‌هایی‌ست که جنسیت زن را تعریف می‌کند و بعد حقوقی از سوی کارفرما تعیین شده که با وجود شرایط اقتصادی حال حاضر فاصله‌ی زیادی با واقعیت دارد. حقوقی که با میزان ساعات کاری تناسبی ندارد و در اکثر مواقع هزینه رفت و آمد را هم شامل نمی‌شود!

به عنوان مثال در یکی از آگهی‌ها داشتن ماشین شخصی هم به لیست بالا بلند متن آگهی اضافه شده بود که آن زن برای انجام امور بانکی شرکت داشته باشد و حقوق پنج میلیونی را با وجود هشت ساعت کار دریافت کند. به عبارتی زن و ماشینش در برابر دستمزدی کمتر از حقوق تعیین شده اداره کار!

آگهی دیگری به دنبال زنی برای انجام کارهای مربوط به نظافت یک خانه دویست و پنجاه متری و بختن هر روزه‌ی غذا برای خانواده پنج نفری‌ست. از هشت صبح تا چهار عصر با حقوق پنج میلیون.

سوال این است که چقدر از این آگهی‌ها با توجه به فشار اقتصادی که مردم این روزها با آن درگیر هستند، تنظیم شده. آیا این به نوعی سواستفاده از شرایط نیست؟ به همین بهانه به سراغ دکتر حسین فتحی اقتصاد دان و مدرس دانشگاه رفتیم تا سوال‌هایی را در این باره با او در میان بگذاریم.

● با توجه به اینکه شهر سیرجان بستر مناسبی برای داشتن شغل است، نباید وضعیت اشتغال زنان حداقل متناسب با رشته‌ی تحصیلی‌شان می‌بود؟ مثلاً در آگهی‌های مربوط به استخدام و کار قراردادی معدن و شرکت‌های مربوطه اولویت با متقاضیان آقااست و فقط در بخش مربوط به خدمات یا نظافت و آشپزی از زنان دعوت به کار شده!

باید منحنی های عرضه و تقضای نیروی کار را در میان زنان نگاه کنیم. اصولاً زنان تحصیل کرده بیشتر در بخش خدمات مورد استفاده به عنوان نیروی کار قرار می‌گیرند. در بخش هایی مثل کشاورزی و صنعت و ساختمان تعداد کمی از زنان مورد تقاضا برای کار واقع می‌شوند. پس یک طرف عرضه